

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پرابهات پاتنایک*
برگردان: علی اورنگ
ویراستاری و ارسال: علی مشرف
۱۶ سپتمبر ۲۰۲۳

در پی گسترش بریکس چه نهفته است؟

چرا بریکس در جنوب جهان محبوب است؟



بحث های زیادی در محافل چپ کشورهای عضو درباره این که واقعاً بریکس چه معنایی برای امپریالیسم دارد صورت گرفته است. بعضی ها استدلال می کنند که در حالی که بریکس ضد امپریالیست است، ولی ضد سرمایه داری نیست؛ اما حتی آن را ضد امپریالیست خطاب کردن غلو آمیز است

در اجلاس سران کشورهای بریکس در ژوهانسبورگ، تصمیم گرفته شد که به پنج عضو اصلی، یعنی، برزیل، روسیه، هندوستان، چین، و افریقای جنوبی، شش کشور دیگر اضافه شود. این کشورها شامل: ارجنتاین، مصر، ایران، اتیوپی، عربستان سعودی، و امارات متحده عربی می باشند. اینطور به نظر می رسد که این شش کشور از بین ۲۲ کشوری که مایل به پیوستن به گروه بریکس بودند انتخاب شدند. به علاوه، منابع دولتی افریقای جنوبی که در حال حاضر ریاست بریکس را برعهده دارند فاش کردند که ۴۰ کشور اظهار تمایل کرده اند که به گروه بریکس بپیوندند. سوالی که به طور طبیعی مطرح می شود این است که: چرا ناگهان بریکس اینقدر محبوب شده است؟

بسیاری بریکس را تلاشی از جانب برخی از کشورهای بزرگ برای ابراز وجود و داشتن نقش مهمتری در امور جهان، که از نشست در “میز بالائی” محروم شده اند، می بینند، نقشی که این کشورها فکر می کنند سزاوار آن هستند. اما بریکس یک تشکل بسیار ناهمگون است: روسیه و چین اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل با حق وتو هستند، در شرایطی که یکی از آنها در حال حاضر درگیر جنگی علیه کشورهای “میز بالائی” است و دیگری به عنوان دشمن اصلی شان “تحقیر” می شود؛ بناءً این سؤال که آنها احساس می کنند که “از میز بالائی محروم” شده اند به سادگی قابل طرح نمی تواند باشد و در مورد بقیه اعضای بریکس، آنها به عنوان بخشی از بدنه بریکس، از زمان شکل گیری آن هیچ گونه نقش محوری در امور جهان بازی نکرده اند؛ بنابراین، بقیه اعضای بریکس را به ندرت می توان دید که در جست و جوی بازی کردن نقش بزرگتری در امور جهانی هستند (چون اگر در این مورد جدی بودند، با آن فعالانه تر برخورد می کردند). به علاوه، فقط مهم بودن نمی تواند انگیزه ای برای تعداد بسیاری از کشورهایی باشد که می خواهند به بریکس ملحق شوند.

مشکل دیگر این تحلیل (که کشورهای عضو بریکس هدفشان ابراز وجود در امور جهانی است) این است که توجهی به اقتصاد سیاسی وضعیت جهان فعلی نشان نمی دهد، یعنی بحران اقتصادی جهان سرمایه داری، بحرانی که حتی اقتصاددانان محافظه کار هیأت حاکمه (استبلیشمنت) آن را یک “رکود سکولار یا بیماری اقتصادی بلند مدت” می نامند. در این وضعیت بحرانی، مؤسسات قدیمی بین المللی به نظر می رسد که به طور قابل ملاحظه ای نارسا هستند، و کشورهای امپریالیستی برای مدیریت وضع موجود قادر به اصلاح یا تغییر (و یا ایجاد مؤسسات جدید) نیستند. در این رابطه به نظر می رسد که بریکس نوید دهنده نوآوری است. به عبارت دیگر محبوبیت بریکس تجلی بحران، مظهر کمبود اعتماد در نظم امپریالیستی که تا به حال برای مدیریت بحران وجود داشته است، می باشد. البته این بریکس را تبدیل به یک گروه “ضد امپریالیستی” نمی کند: بدون تردید بعضی از کشورهای عضو بریکس ضد امپریالیست هستند اما کشورهایی مثل مصر، اتیوپی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، با الحاق به بریکس بدون کوچکترین اغراقی می توان گفت که علیه امپریالیسم طغیان کرده اند. در حالی که این کشورها ضد امپریالیست نیستند، آنها در جست و جوی جایگزینی برای نظم فعلی هستند که فکر می کنند بتواند در آینده نه چندان دور قاطعانه از آنها حمایت کند.

در بریکس توسعه یافته فعلی که سه نوع کشور متمایز وجود دارند (و اینها متقابلاً منحصر به فرد نیستند): کشورهایی که امپریالیسم “تحریم های” یکجانبه یا اقدامات تنبیهی حمایتی (مثل تعرفه و سهمیه واردات) علیه آنها اعمال کرده است؛ کشورهای تولید کننده نفت و گاز؛ و کشورهایی که در بحران فعلی جهان دچار مشکلات هستند یا این که احتمال مواجه شدن با مشکلات در آینده نزدیک برایشان وجود دارد. چین، روسیه و ایران نمونه ای از گروه اول هستند؛ روسیه، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نمونه ای برای گروه دوم اند؛ و مصر، اتیوپی، ارجنتاین نمونه گروه سوم هستند (در کنار آنها برزیل و هندوستان نگران شکل گیری و بروز بحران و مشتاق تهیه مقدمات جایگزینی می باشند).

برای کشورهایی که حتی بدون تائید شورای امنیت سازمان ملل متحد مشمول تحریم های تحمیلی یکجانبه امپریالیسم هستند، بریکس برای دور زدن این تحریم ها به طور بالقوه تمهیداتی فراهم می کند. از این نظر الحاق ایران به بریکس شاید مهمترین اقدام اجلاس بریکس بود. ایران نه تنها در معرض تحریم های شدید بوده است، بلکه اولین کشوری بود که از دسترسی به ارزهای خودش که در بانک های پایتخت های عمده جهان نگهداری می شدند محروم بود، که قوانین سرمایه داری را که خود کشورهای امپریالیستی آنها را ابداع کرده بودند آشکارا نقض می کرد. از آن زمان چنین

حرکات “یاغی گری” بین المللی کاملاً عادی شده است، که با شروع جنگ اوکراین روسیه آخرین قربانی این کار بوده است: به روسیه هم اجازه دسترسی به ذخایر ارزی خودش که در بانک های خارجی نگهداری می شود داده نشد. الحاق به بریکس کشورهای را که زیر “تحریم” هستند قادر می سازد که از فشاری که امپریالیسم با آن قصد محدود کردن آنها را دارد، رها کند .

تولید کنندگان نفت و گاز طبیعی دریافته اند که قیمت فرآورده هایشان به خاطر رکود در حال کاهش است و در تلاش اند که در واکنش به کاهش تقاضا از طریق محدود کردن تولیدات از سقوط قیمت ها جلوگیری کنند. این خلاف آرزوهای علنی امریکاست. در واقع، در یک مورد، امریکا چندین نماینده را، شامل حتی خود بایدن، به عربستان سعودی فرستاد تا از این کشور درخواست کند که با کاهش تولید در جلسه آینده اوپک پلاس مخالفت کند؛ اما این فشار امریکا موفقیت آمیز نبود. پس از آن موارد بیشتری وجود داشتند که در آنها اوپک پلاس کاهش در تولید را اعلام کرد. اگر تولید کنندگان نفت بخواهند در آینده با بی اعتنائی به خواسته های امریکا استقلال کافی برای کنترل حجم تولیداتشان داشته باشند، متنوع سازی روابطشان با دوری از وابستگی انحصاری به امریکا، بدون الزاماً ستیزه جوئی با آن، به نظر می رسد که ضروری باشد. برای آنها ملحق شدن به بریکس وسیله ای برای چنان متنوع سازی می باشد.

در مورد گروه سوم از کشورهای بریکس، یعنی، مصر، ارجنتاین و اتیوپی که اقتصاد شدیداً بیماری دارند و برزیل، هندوستان و افریقای جنوبی که اقتصادشان، اگرچه بیمار است، ولی کمتر دچار پریشانی است، جذابیت بریکس در جای دیگری است، یعنی امکان تجارت با پول محلی که بتوانند دالر را دور بزنند. برزیل و چین اخیراً وارد چنین توافقی برای داد و ستد با پول محلی شده اند، همانطور که هندوستان و امارات متحده عربی هم به این توافق رسیده اند؛ و احتمالاً توافق های بیشتری در روزهای آینده در پیش خواهد بود که جاذبه اصلی برای الحاق به بریکس را تشکیل می دهد .

ارزش نسبی پول مابین کشورهای هائی که وارد چنان توافقی می شوند ثابت است، و نیازی به دالر به عنوان واحد محاسبه یا وسیله دادوستد بین آنها وجود ندارد. چنین توافق هائی، که عملاً دسترسی به امکانات داد و ستد را بین کشورها بسط می دهد، و توسعه در گردش پول را حاصل تصمیمات خود کشورها می کند (که می توانند حجم نقدینگی را با میل خودشان افزایش دهند)، تجارت را برای آنها تسهیل کرده و دیگر با هیچ گونه کمبود دالری محدود نمی شوند .

اما این فقط جوابگوی نیمی از مسأله است؛ بخش دیگر مسأله باید به وسیله کشوری که با مازاد مواجه است از طریق خرید کالاها و خدمات از کشوری که کسری دارد حل شود و اگر این کار سریعاً عملی نباشد حداقل در طول زمان انجام شود. به عبارت دیگر، تجارت با پول محلی موجودی نقدینگی در اقتصاد جهانی را افزایش می دهد اما مسأله بدهی خارجی در اثر تجارت بین کشورهای هائی که وارد این نوع معامله می شوند را حل نمی کند .

وقتی که بریکس چنین روابط تجاری دوجانبه ای را تشویق می کند در واقع کمک بزرگی به بهبود عملکرد اقتصاد جهان کرده است، چرا که تسویه حساب های کشوری که با کسری مواجه است با انباشته شدن بدهی هایش صورت نمی پذیرد بلکه از طریق خرید کالاهای بیشتر از آن انجام می شود؛ در این شرایط است که بریکس می تواند یک جایگزین واقعی برای نظم اقتصاد جهانی که در زیر سلطه امپریالیسم است، باشد.

مدیر جدید بانک بریکس، دیلما روسف، رئیس جمهور سابق برزیل، روشن ساخت که این بانک قصد دادن وام برای تسویه بدهی یا خدمات مربوط به بدهی به کشورهای جهان سوم یا کشورهای عضو را ندارد؛ بنابراین این نیاز کشورهای جهان سوم را برای رفتن به صندوق بین المللی پول (و تحمل سختی به خاطر “ریاضت اقتصادی” دیکته شده

به وسیله آن را) کاهش نمی دهد. اما او مایل به توسعه تجارت پول محلی و همچنین پرداخت وام های زیرساختی به کشورهای جهان سوم می باشد، که به تضعیف مؤسساتی که در کنترل امپریالیسم هستند کمک می کند . بحث های زیادی در محافل چپ کشورهای عضو درباره این که واقعاً بریکس چه معنایی برای امپریالیسم دارد صورت گرفته است. بعضی ها استدلال می کنند که در حالی که بریکس ضد امپریالیست است، ولی ضد سرمایه داری نیست؛ اما حتی آن را ضد امپریالیست خطاب کردن غلو آمیز است. با رهبرانی چون مودی نخست وزیر هندوستان و محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، سیسی رئیس جمهور مصر بریکس را نمی توان ضد امپریالیست خطاب کرد. اما کاری که انجام می دهد این است که حداقل تا حدودی کنترل انحصاری مؤسسات امپریالیستی را روی اقتصاد جهان تضعیف می کند؛ و این مطمئناً یک پیشرفت مثبت است. بریکس در برگیرنده یک ضربت بزرگ علیه امپریالیسم نیست، اما زمینه مناسب تری برای مردم زحمتکش جهان به وجود می آورد که امپریالیسم را هرچه بیشتر تضعیف کنند .

منبع: [مانتلی ریویو آنلاین](#)

[Behind BRICS expansion](#)

*- اقتصاددان اقتصاد سیاسی و تحلیلگر سیاسی است. کتابهایش شامل تراکم و ثبات تحت کاپیتالیسم (۱۹۹۷)، ارزش پول (۲۰۰۹)، و تصور دوباره سوسیالیسم (۲۰۱۱) است .